

درآمد: از عین الدوله، والی آذربایجان، به دکتر حسینقلی خان قزل ایاغ: گله از بی توجهی، خداحافظی حین رفتن از تهران. نامه به خط امیر اعظم است.

پاکت: جناب مستطاب اجل آقای دکتر حسینقلی خان دام عزه

با خطی دیگر:

عین الدوله

خط امیر اعظم مرحوم

فدای آقای دکتر

بدانید که خیلی می توانم از جنابعالی گلیه ها بکنم و تماماً را حق دارم که بکلی از حال من بیخبر و حتی خداحافظی هم توجه نکردید شاید یک کسالتی تازه پیدا کرده اید که شما را از همه چیز باز بسته باری حالا که جناب حاجی افخم الدوله می آمد این مختصر را فقط برای خداحافظی و تاسف از اینکه وقت آمدن شما را ملاقات نکردم می نویسم شاید خیلی مطالب داشتم که نگفته ماند و میروم شما را بخدا سپردم البته گاهی یحتمل خواهید گفت زمانه را رسم همیشه بر این بوده که هر که از هر که بیشتر امیدوار است زیادتیر بی بهره می شود [امضاء: عین الدوله]

خط دکتر حسینقلی در حاشیه: هنگام والی بودن مرحوم عین الدوله در آذربایجان و حرکت از تهران به بنده بعنوان خداحافظی مرقوم داشته اند [امضاء: دکتر حسینقلی]

پانوش: عین الدوله: سلطان عبدالمجید میرزا، فرزند سلطان احمد میرزا عضدالدوله پسر فتحعلی شاه. ابتدا فعالیت خود را در دستگاه مظفرالدین میرزا ولیعهد آغاز کرد و در سال ۱۳۰۱ در تبریز، نایب اسطبل ولیعهد بود. در سال ۱۳۰۳ میرآخور ولیعهد و در ۱۳۰۶ با حفظ سمت، حکومت قراچه داغ (ارسباران) نیز به وی واگذار شد. در سال ۱۳۰۹ علاوه بر سمت میرآخوری، حاکم اردبی، مشکین، قراچه باغ و متصدی خالصجات آذربایجان گشت. یک سال بعد به لقب «عین الدوله» ملقب و در سال ۱۳۱۹ به حکومت تهران منصوب شد. در ۱۳۲۱ وزیر داخله، سپس وزیر اعظم شد و یک سال بعد به صدارت نایل آمد. مدتی بعد ملقب به «اتابک اعظم» گردید. در سال ۱۳۲۴ به دلیل نارضایتی شدید مردم از وی، از صدارت معزول شد. بعد از به توپ بستن مجلس از طرف محمد علی شاه مامور حکومت آذربایجان و سرکوبی مشروطه خواهان آن خطه گشت. هنگام فتح تهران (۱۳۲۷) به مجلس پناه آورد و مورد عفو قرار گرفت. پس از مدتی بیکاری، در سال ۱۳۳۱ در کابینه محمد علی خان علاء السلطنه،

وزارت کشور و سپس در سال ۱۳۳۳ وزارت جنگ و رئیس الوزرای را بر عهده داشت. در سال ۱۳۳۶ مجدداً مامور تشکیل کابینه شد. از این سال تا پایان عمر، عین الدوله دیگر به کاری اشتغال نداشت.

دکتر حسینقلی خان قزل ایاغ: نماینده ی مردم دامغان و سمنان در مجلس شورای ملی دوره های سوم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم.

امیر اعظم: نصرت الله خان، فرزند وجیه الله میرزا سپهسالار. سایر القاب: سیف الملک، امیر خان سردار. در سال ۱۳۰۷ از جانب پدر خود، نایب السلطنه لرستان شد. در سال ۱۳۲۴ به حکومت استرآباد و در سال ۱۳۲۶ به حکومت گیلان منصوب گشت. پس از فتح تهران (۱۳۲۷) مجدداً حاکم استرآباد، سمنان و دامغان شد. در ۱۳۲۹ معاون وزیر جنگ در تهران و مدتی بعد والی کرمان و سپس حاکم سمنان، دامغان و شاهرود گردید. در سال ۱۳۳۳ در دهکده ی عباس آباد، یک فرسخی دامغان، به ضرب گلوله ی نوکرش، اسماعیل خان شجاع لشکر دامغانی – که سیف الدوله برادرش را کشته بود – به قتل رسید و در شاهرود دفن شد.

The Ghani Collection